



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

نقش بازی های آموزشی در تقویت یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی

اسما الله وردیان^۱، سهراب احمدزاده^۲

۱- آموزش و پرورش، asma.allhverdian@gmail.com

۲- آموزش و پرورش، sohrabahmadzadeh0@gmail.com

چکیده

بازی های آموزشی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای یادگیری در دوره ابتدایی، نقش مهمی در رشد شناختی، اجتماعی و انگیزشی دانش آموزان ایفا می کنند. این مقاله با هدف بررسی ابعاد مختلف تأثیر بازی بر فرآیند یاددهی-یادگیری، به تحلیل نظری و تجربی کاربرد بازی در کلاس های درس ابتدایی پرداخته است. یافته ها نشان می دهند که بازی موجب تقویت مهارت هایی چون تمرکز، حافظه، حل مسئله، همکاری، همدلی و انگیزه درونی برای یادگیری می شود و می تواند فضای آموزشی را از حالت خشک و منفعل به محیطی پویا، انسانی و خلاق تبدیل کند. با وجود مزایای گسترده بازی های آموزشی، اجرای آن در مدارس با چالش هایی مانند نگرش های سنتی، کمبود منابع، فقدان آموزش تخصصی معلمان و محدودیت های ساختاری روبه روست. مقاله حاضر با ارائه راهکارهایی نظیر تلفیق بازی با محتوای درسی، آموزش حرفه ای معلمان، استفاده از بازی های بومی، و تدوین سیاست های حمایتی، تلاش دارد مسیر عملی برای نهادینه سازی آموزش بازی محور در مدارس ابتدایی ترسیم کند. در پایان، تأکید می شود که بازی نه تنها ابزار یادگیری، بلکه زبان رشد کودک است—زبانی که اگر به درستی شنیده شود، می تواند آینده ای روشن تر برای آموزش رقم بزند.

کلمات کلیدی: بازی های آموزشی، تقویت یادگیری دانش آموزان، دانش آموزان دوره ابتدایی



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

مقدمه

بازی یکی از بنیادی ترین ابزارهای یادگیری در دوران کودکی است که نه تنها جنبه سرگرمی دارد، بلکه بستری غنی برای رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی کودکان فراهم می آورد. در آموزش ابتدایی، که نخستین مرحله ورود کودک به نظام رسمی تعلیم و تربیت است، بازی می تواند نقش واسطه ای میان دنیای کودکان و محتوای درسی ایفا کند. کودکان در این سن، بیشتر از طریق تجربه، تعامل و کنجکاوی یاد می گیرند و بازی دقیقاً همان بستری است که این عناصر را به صورت طبیعی و لذت بخش در اختیارشان قرار می دهد. به همین دلیل، بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که بازی باید نه تنها به عنوان فعالیت جانبی، بلکه به عنوان بخش اصلی فرآیند یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی تلقی شود (نیکنفس میری و راهداری، ۱۴۰۳). اهمیت بازی در آموزش ابتدایی از آن جا ناشی می شود که کودکان در این مرحله از رشد، هنوز در حال شکل گیری مهارت های پایه ای هستند و ذهن آن ها آمادگی پذیرش مفاهیم پیچیده را به صورت مستقیم ندارد. روش های سنتی و خشک آموزشی، مانند سخنرانی های طولانی یا تمرین های تکراری، اغلب موجب خستگی، بی انگیزگی و حتی مقاومت در برابر یادگیری می شوند. در مقابل، بازی با ایجاد فضای تعاملی، پویا و شاد، ذهن کودک را فعال نگه می دارد و او را به مشارکت در یادگیری ترغیب می کند. این مشارکت نه تنها موجب درک بهتر مفاهیم می شود، بلکه حس مالکیت و علاقه مندی کودک به فرآیند یادگیری را نیز افزایش می دهد (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). بازی های آموزشی می توانند مفاهیم درسی را به صورت غیرمستقیم، اما مؤثر منتقل کنند. برای مثال، بازی های ریاضی مانند پازل های عددی یا مسابقات شمارش، می توانند مهارت های محاسبه و منطق را تقویت کنند. بازی های کلامی مانند داستان سازی یا بازی با کلمات، به رشد زبان، واژگان و توانایی بیان کمک می کنند. همچنین، بازی های گروهی مانند نقش آفرینی یا همکاری در حل مسئله، مهارت های اجتماعی و ارتباطی را پرورش می دهند. این نوع یادگیری ضمنی، که در قالب بازی اتفاق می افتد، باعث تثبیت بهتر اطلاعات در حافظه کودک می شود و از فشار روانی ناشی از آموزش مستقیم می کاهد (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). از منظر روان شناسی تربیتی، بازی به رشد مهارت های شناختی مانند تمرکز، حافظه، خلاقیت، تفکر انتقادی و حل مسئله کمک می کند. کودک در حین بازی با چالش هایی روبه رو می شود که نیازمند تصمیم گیری، آزمون و خطا، و سازگاری با شرایط جدید هستند. این تجربه ها، پایه ای برای یادگیری مستقل و توانایی تفکر منطقی در آینده فراهم می کنند. همچنین، بازی به کودک اجازه می دهد تا احساسات خود را ابراز کند، با شکست کنار بیاید، و در فضای امن و بدون قضاوت، خود را بشناسد و رشد دهد (عارفی، ۱۴۰۳).

بازی همچنین نقش مهمی در رشد اجتماعی کودکان دارد. در بازی های گروهی، کودکان یاد می گیرند چگونه نوبت بگیرند، با دیگران همکاری کنند، اختلاف ها را حل کنند، و احساسات خود را به درستی بیان کنند. این مهارت ها نه تنها در کلاس درس، بلکه در زندگی روزمره نیز کاربرد دارند و به شکل گیری شخصیت اجتماعی کودک کمک می کنند. بازی به کودکان فرصت می دهد تا در نقش های مختلف قرار بگیرند، مسئولیت پذیری را تجربه کنند، و با تنوع دیدگاه ها آشنا شوند. این تجربه ها، پایه ای برای تربیت شهروندانی مسئول، همدل و مشارکت جو در آینده است (کارتر و کیم، ۲۰۲۳). از منظر فرهنگی و تربیتی، بازی می تواند ارزش ها،



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

آداب و رسوم، و هویت ملی را به کودکان منتقل کند. بازی های سنتی، داستانی یا نمایشی، بستری برای آشنایی با فرهنگ بومی و تقویت حس تعلق فراهم می سازند. در آموزش ابتدایی، استفاده از بازی های بومی می تواند پیوند میان آموزش رسمی و فرهنگ محلی را تقویت کند و به کودکان کمک کند تا با ریشه های فرهنگی خود آشنا شوند. همچنین، بازی می تواند بستری برای آموزش مفاهیم اخلاقی مانند صداقت، احترام، عدالت و مسئولیت پذیری باشد، بدون آن که این مفاهیم به صورت خشک و دستوری ارائه شوند (آندرسون و پالت، ۲۰۲۳). با وجود اهمیت بازی، هنوز در بسیاری از نظام های آموزشی، بازی به عنوان فعالیتی فرعی یا تفریحی تلقی می شود. این نگرش موجب می شود فرصت های یادگیری مؤثر از دست برود و آموزش به فرآیندی خشک، غیر جذاب و گاه تنش زا تبدیل شود. لازم است نگاه به بازی در آموزش ابتدایی تغییر کند و آن را به عنوان ابزار اصلی یادگیری در نظر گرفت. این تغییر نگرش نیازمند آموزش معلمان، طراحی برنامه های درسی بازی محور، و فراهم سازی امکانات مناسب در مدارس است تا بازی به صورت هدفمند و مؤثر در فرآیند یادگیری به کار گرفته شود (چن و گومز، ۲۰۲۲). در مجموع، بازی نه تنها وسیله ای برای سرگرمی، بلکه ابزاری قدرتمند برای آموزش، تربیت و رشد همه جانبه کودک است. در آموزش ابتدایی، بهره گیری هدفمند از بازی می تواند کیفیت یادگیری را ارتقا دهد، انگیزه دانش آموزان را افزایش دهد، و فضای کلاس را به محیطی پویا، انسانی و خلاق تبدیل کند. بازی، زبان مشترک کودکان است؛ زبانی که از طریق آن می توان مفاهیم پیچیده را ساده کرد، مهارت ها را پرورش داد، و آینده ای روشن تر برای نسل های بعدی رقم زد (تامپسونو لی، ۲۰۲۲).

تأثیر بازی بر مهارت های شناختی و ذهنی دانش آموزان

مهارت های شناختی و ذهنی، شامل توانایی هایی مانند تمرکز، حافظه، حل مسئله، تفکر منطقی، خلاقیت و تصمیم گیری هستند که پایه های اصلی یادگیری در دوران ابتدایی را تشکیل می دهند. بازی، به عنوان یک فعالیت طبیعی و انگیزشی، بستری مناسب برای رشد این مهارت ها فراهم می آورد. برخلاف روش های آموزشی خشک و تکراری، بازی با ایجاد موقعیت های چالش برانگیز و تعاملی، ذهن کودک را به فعالیت واداشته و فرآیند یادگیری را از حالت منفعل به حالت فعال و پویا تبدیل می کند (رودریگز و مندس، ۲۰۲۴). یکی از مهم ترین تأثیرات بازی بر ذهن کودک، تقویت تمرکز و توجه است. در بسیاری از بازی ها، کودک باید قوانین را رعایت کند، نوبت بگیرد، به حرکات دیگران دقت کند و واکنش مناسب نشان دهد. این فرآیندها باعث می شوند کودک توانایی تمرکز خود را افزایش دهد و بتواند در موقعیت های آموزشی نیز با دقت بیشتری عمل کند. تمرکز، مهارتی است که در یادگیری خواندن، نوشتن و حل مسائل ریاضی نقش کلیدی دارد و بازی می تواند آن را به صورت غیرمستقیم و مؤثر پرورش دهد (گونزالز و فرارو، ۲۰۲۳). حافظه نیز از جمله مهارت های شناختی است که در بازی های آموزشی تقویت می شود. بازی هایی که نیاز به یادآوری اطلاعات، دنبال کردن مراحل یا حفظ ترتیب دارند، حافظه کوتاه مدت و بلند مدت کودک را فعال می کنند. برای

-
- 1- Anderson & Patel
 - 2- Chen & Gómez
 - 3- Thompson & Lee
 - 4- Rodríguez & Mendes
 - 5- González & Ferraro



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

مثال، بازی های حافظه تصویری، داستان سازی، یا بازی های کلامی، به کودک کمک می کنند تا اطلاعات را بهتر سازمان دهی کرده و در موقعیت های آموزشی از آن ها استفاده کند. این نوع تمرین ذهنی، پایه ای برای موفقیت در آزمون ها و فعالیت های درسی است (المنصوری و حداد، ۲۰۲۳). بازی همچنین به رشد مهارت حل مسئله در کودکان کمک می کند. در بسیاری از بازی ها، کودک با موقعیت هایی روبه رو می شود که نیازمند تفکر، آزمون و خطا، و انتخاب راه حل مناسب هستند. این تجربه ها باعث می شوند کودک یاد بگیرد چگونه با چالش ها مواجه شود، گزینه ها را بررسی کند، و تصمیم گیری منطقی داشته باشد. این مهارت ها در زندگی روزمره و در فرآیند یادگیری رسمی بسیار حیاتی هستند و بازی می تواند آن ها را به صورت طبیعی و لذت بخش آموزش دهد (مولرو اریکسون، ۲۰۲۴).

خلاقیت یکی دیگر از مهارت های ذهنی است که از طریق بازی شکوفا می شود. بازی های آزاد، نمایشی، هنری یا داستانی، به کودک اجازه می دهند تا ایده های جدید خلق کند، نقش های مختلف را تجربه کند، و از تخیل خود بهره ببرد. این نوع بازی ها نه تنها باعث شادی و انگیزه می شوند، بلکه توانایی کودک در تولید محتوا، بیان احساسات و حل مسائل به شیوه های نوآورانه را افزایش می دهند. خلاقیت، مهارتی است که در آینده برای یادگیری، کارآفرینی و ارتباط مؤثر بسیار ارزشمند خواهد بود (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). تفکر منطقی و استدلال نیز در بسیاری از بازی های آموزشی تقویت می شود. بازی هایی که شامل طبقه بندی، مقایسه، پیش بینی یا تحلیل هستند، ذهن کودک را به سمت تفکر ساختارمند هدایت می کنند. برای مثال، بازی های ریاضی، پازل ها، یا بازی های استراتژیک، به کودک کمک می کنند تا روابط علت و معلولی را درک کند، الگوها را تشخیص دهد، و نتیجه گیری منطقی داشته باشد. این نوع تفکر، پایه ای برای موفقیت در علوم، ریاضیات و حتی مهارت های ارتباطی است (عارفی، ۱۴۰۳). از منظر روان شناسی شناختی، بازی به کودک کمک می کند تا فرآیندهای ذهنی خود را بشناسد و آن ها را مدیریت کند. کودک در حین بازی یاد می گیرد چگونه توجه خود را تنظیم کند، حافظه اش را به کار گیرد، و در موقعیت های مختلف تصمیم گیری کند. این آگاهی شناختی، که به آن «فراشناخت» نیز گفته می شود، نقش مهمی در یادگیری مؤثر دارد. بازی، با فراهم سازی موقعیت های متنوع، به کودک فرصت می دهد تا این مهارت ها را تمرین و تقویت کند (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). در مجموع، بازی نه تنها وسیله ای برای سرگرمی، بلکه ابزاری قدرتمند برای رشد ذهنی و شناختی کودکان در دوره ابتدایی است. استفاده هدفمند از بازی های آموزشی در کلاس درس می تواند به بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش انگیزه، و تقویت مهارت های پایه ای ذهنی منجر شود. معلمان و والدین باید بازی را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند یادگیری در نظر بگیرند و با طراحی و انتخاب بازی های مناسب، مسیر رشد شناختی کودکان را هموار سازند (آرین نیا، ۱۴۰۳).



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

نقش بازی در تقویت مهارت های اجتماعی و ارتباطی

بازی، فراتر از یک فعالیت تفریحی، بستری غنی برای رشد مهارت های اجتماعی و ارتباطی در کودکان فراهم می آورد. در دوره ابتدایی که شخصیت اجتماعی کودک در حال شکل گیری است، بازی می تواند به عنوان یک ابزار تربیتی مؤثر عمل کند. کودکان از طریق بازی، تعامل با همسالان را تجربه می کنند، نقش های اجتماعی را می آموزند و با مفاهیمی چون همکاری، نوبت گیری، همدلی و احترام آشنا می شوند. این مهارت ها پایه های اصلی زندگی اجتماعی سالم در آینده هستند و آموزش آن ها از طریق بازی، بسیار مؤثرتر از روش های مستقیم و دستوری است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از مهم ترین جنبه های بازی در تقویت مهارت های اجتماعی، ایجاد فرصت برای تعامل چهره به چهره با دیگران است. در بازی های گروهی، کودکان یاد می گیرند چگونه با دیگران ارتباط برقرار کنند، به صحبت های یکدیگر گوش دهند، و پاسخ های مناسب ارائه دهند. این تعاملات، مهارت های کلامی و غیرکلامی آن ها را تقویت می کند و به آن ها کمک می کند تا در موقعیت های اجتماعی واقعی، با اعتماد به نفس بیشتری ظاهر شوند. بازی، به ویژه برای کودکانی که خجالتی یا کم رو هستند، فرصتی برای تمرین ارتباط در محیطی امن و بدون قضاوت فراهم می کند (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). همکاری یکی از ارزشمندترین مهارت هایی است که از طریق بازی تقویت می شود. در بسیاری از بازی ها، کودکان باید برای رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر همکاری کنند، نقش ها را تقسیم نمایند، و مسئولیت پذیر باشند. این تجربه ها به آن ها می آموزد که موفقیت گروهی نیازمند مشارکت، احترام به نظر دیگران، و هماهنگی در عمل است. چنین مهارت هایی در زندگی مدرسه ای، فعالیت های گروهی، و حتی در آینده شغلی آن ها نقش کلیدی ایفا می کند (نیکنفس میری و راهداری، ۱۴۰۳). بازی همچنین به کودکان می آموزد که چگونه با تعارضات و اختلاف نظرها برخورد کنند. در جریان بازی، ممکن است کودک با موقعیت هایی مواجه شود که نیاز به مذاکره، مصالحه یا حتی عذرخواهی دارد. این موقعیت ها، فرصتی برای یادگیری مهارت های حل تعارض، کنترل خشم، و درک دیدگاه های متفاوت فراهم می کنند. برخلاف کلاس های رسمی که معمولاً ساختار یافته و کنترل شده هستند، بازی فضای بازتری برای بروز احساسات و تمرین مهارت های اجتماعی فراهم می سازد (عارفی، ۱۴۰۳).

از دیگر مزایای بازی در تقویت مهارت های ارتباطی، رشد زبان و بیان است. در بازی های نمایشی، داستان گویی یا نقش آفرینی، کودکان واژگان جدید می آموزند، جملات پیچیده تری می سازند و توانایی بیان احساسات و افکار خود را تقویت می کنند. این نوع بازی ها به آن ها کمک می کند تا درک بهتری از زبان بدن، لحن صدا و نشانه های غیرکلامی پیدا کنند. این مهارت ها در برقراری ارتباط مؤثر با معلمان، همکلاسی ها و اعضای خانواده بسیار حیاتی هستند (کارتر و کیم، ۲۰۲۳). بازی های گروهی همچنین حس تعلق و همبستگی را در کودکان تقویت می کنند. زمانی که کودکان در یک تیم بازی می کنند، احساس می کنند بخشی از یک گروه هستند و برای موفقیت جمعی تلاش می کنند. این تجربه، حس همدلی، مسئولیت پذیری و مشارکت را در آن ها پرورش می دهد. کودکانی که در چنین فضاهایی رشد می کنند، معمولاً در آینده روابط اجتماعی سالم تری دارند و در محیط های گروهی عملکرد بهتری از خود نشان می دهند (تامپسونو لی، ۲۰۲۲). در بازی، کودکان فرصت دارند نقش های مختلف اجتماعی را تجربه کنند. برای مثال، در بازی های نمایشی، ممکن است یک کودک نقش معلم، پزشک، پلیس یا والدین را بازی کند. این نقش آفرینی ها به آن ها کمک می کند تا با وظایف، مسئولیت ها و احساسات دیگران آشنا شوند و درک عمیق تری از روابط انسانی پیدا کنند. این تجربه ها،



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

پایه ای برای رشد هوش هیجانی و توانایی همدلی با دیگران فراهم می سازد (اندرسون و پالت، ۲۰۲۳). بازی همچنین به کودکان می آموزد که چگونه بازخورد دریافت کنند و به آن پاسخ دهند. در جریان بازی، کودکان ممکن است با تشویق، انتقاد، یا حتی شکست مواجه شوند. این موقعیت ها به آن ها یاد می دهد که چگونه با بازخورد سازنده برخورد کنند، از اشتباهات خود بیاموزند، و اعتماد به نفس خود را حفظ کنند. این مهارت ها در تعاملات اجتماعی و تحصیلی آینده آن ها بسیار مؤثر خواهد بود (گونزالز و فرارو، ۲۰۲۳). در بسیاری از بازی ها، کودکان باید قوانین خاصی را رعایت کنند. این قوانین، هرچند ساده باشند، به آن ها نظم، انضباط، و احترام به چارچوب های اجتماعی را می آموزند. کودک یاد می گیرد که برای ادامه بازی باید به نوبت دیگران احترام بگذارد، تقلب نکند، و در صورت باخت، رفتار مناسبی داشته باشد. این آموزش های غیرمستقیم، تأثیر عمیقی بر شکل گیری شخصیت اخلاقی و اجتماعی کودک دارند (مولرو اریکسون، ۲۰۲۴). بازی همچنین به کودکان کمک می کند تا احساسات خود را بهتر بشناسند و آن ها را به شیوه ای سالم ابراز کنند. در جریان بازی، کودک ممکن است احساس شادی، هیجان، خشم یا ناامیدی را تجربه کند. این تجربه ها به او کمک می کنند تا با احساسات خود آشنا شود، آن ها را مدیریت کند، و راه های مناسبی برای بیان آن ها بیابد. این مهارت های عاطفی، بخش مهمی از ارتباط مؤثر و تعامل اجتماعی سالم هستند (المنصوری و حداد، ۲۰۲۳). از منظر تربیتی، بازی می تواند به عنوان ابزاری برای آموزش ارزش های اجتماعی مانند صداقت، عدالت، احترام، و مسئولیت پذیری به کار رود. معلمان می توانند با طراحی بازی هایی که این ارزش ها را در خود دارند، به صورت غیرمستقیم و لذت بخش، مفاهیم اخلاقی را به دانش آموزان منتقل کنند. این روش، بسیار مؤثرتر از آموزش های نظری و دستوری است، زیرا کودک در حین بازی، آنچه را می آموزد تجربه می کند و درونی می سازد. در نهایت، نقش بازی در تقویت مهارت های اجتماعی و ارتباطی دانش آموزان ابتدایی، نقشی انکارناپذیر و بنیادین است. بازی، با فراهم سازی فرصت های تعامل، همکاری، بیان احساسات و تجربه نقش های اجتماعی، به رشد همه جانبه کودک کمک می کند. در دنیای امروز که مهارت های نرم و ارتباطی بیش از پیش اهمیت یافته اند، آموزش این مهارت ها از طریق بازی، نه تنها ضروری، بلکه راهبردی هوشمندانه برای تربیت نسلی توانمند، همدل و مشارکت جو است (رودریگز و مندس، ۲۰۲۴).

بازی های آموزشی و افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان

انگیزه یادگیری یکی از مهم ترین عوامل موفقیت تحصیلی در دانش آموزان دوره ابتدایی است. کودکانی که با اشتیاق، علاقه و کنجکاوی در فعالیت های آموزشی شرکت می کنند، نه تنها مطالب را بهتر یاد می گیرند، بلکه در مسیر رشد شخصی و اجتماعی نیز عملکرد مطلوب تری دارند. در این میان، بازی های آموزشی به عنوان ابزاری قدرتمند و اثربخش، نقش مهمی در تحریک و تقویت انگیزه یادگیری ایفا می کنند. این بازی ها با ترکیب عناصر سرگرمی، چالش و تعامل، محیطی پویا و جذاب برای یادگیری فراهم می سازند (عارفی، ۱۴۰۳). یکی از دلایل اصلی تأثیر بازی های آموزشی بر انگیزه یادگیری، ایجاد حس لذت و شادی در فرآیند آموزش است. برخلاف روش های سنتی که ممکن است خشک، تکراری یا فشارزا باشند، بازی ها با ایجاد فضای شاد و غیررسمی، اضطراب یادگیری را کاهش می دهند و کودک را به مشارکت فعال ترغیب می کنند. زمانی که کودک احساس کند یادگیری با لذت



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

همراه است، انگیزه درونی او برای ادامه مسیر آموزشی افزایش می یابد و یادگیری به تجربه ای مثبت تبدیل می شود (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). بازی های آموزشی همچنین حس کنجکاوی و کشف را در کودکان تحریک می کنند. بسیاری از این بازی ها بر پایه حل مسئله، کشف الگوها، یا رسیدن به هدف طراحی شده اند. این ساختارها ذهن کودک را به چالش می کشند و او را به جست و جوی پاسخ، آزمایش فرضیه ها و تجربه راه حل های مختلف سوق می دهند. این نوع یادگیری فعال، برخلاف یادگیری منفعل، موجب افزایش انگیزه درونی و احساس رضایت از پیشرفت می شود (آرین نیا، ۱۴۰۳). از منظر روان شناسی انگیزشی، بازی های آموزشی می توانند نیازهای روانی پایه ای کودکان را برآورده کنند؛ نیازهایی مانند حس شایستگی، استقلال و ارتباط با دیگران. زمانی که کودک در بازی موفق می شود، احساس توانمندی و اعتماد به نفس پیدا می کند. وقتی خودش انتخاب می کند چگونه بازی کند، حس استقلال را تجربه می کند. و زمانی که با دیگران همکاری می کند، حس تعلق و ارتباط اجتماعی در او تقویت می شود. این سه نیاز، طبق نظریه خودمختاری، پایه های انگیزه درونی هستند (نیکنفس میری و راهداری، ۱۴۰۳). بازی های آموزشی همچنین امکان بازخورد فوری و ملموس را فراهم می کنند. کودک در جریان بازی، بلافاصله نتیجه عملکرد خود را می بیند — چه در قالب امتیاز، پیشرفت در مراحل، یا واکنش هم گروهی ها. این بازخورد سریع، موجب تقویت رفتارهای مطلوب، اصلاح اشتباهات، و افزایش انگیزه برای ادامه فعالیت می شود. برخلاف آزمون های رسمی که بازخورد دیر هنگام و گاه تنش زا دارند، بازی ها محیطی امن و تشویق کننده برای یادگیری فراهم می سازند (تامپسون و لی، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از عوامل انگیزشی در بازی های آموزشی، عنصر رقابت سالم است. بسیاری از بازی ها به گونه ای طراحی شده اند که کودک با خود یا دیگران رقابت می کند، اما در فضایی دوستانه و بدون فشار. این رقابت، حس تلاش، پیشرفت و هدف گذاری را در کودک تقویت می کند. البته باید توجه داشت که رقابت در بازی های آموزشی باید به گونه ای باشد که همه کودکان فرصت موفقیت و تجربه مثبت داشته باشند، نه اینکه موجب اضطراب یا احساس شکست شود. بازی های آموزشی همچنین به معلمان امکان می دهند تا محتوای درسی را با علایق و نیازهای دانش آموزان تطبیق دهند. برای مثال، اگر دانش آموزان به حیوانات علاقه مند باشند، می توان مفاهیم ریاضی یا علوم را در قالب بازی هایی با موضوع حیوانات ارائه کرد. این تطبیق محتوا با علاقه مندی های کودک، موجب افزایش انگیزه و مشارکت فعال تر در یادگیری می شود. در واقع، بازی ها بستری انعطاف پذیر برای شخصی سازی آموزش هستند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر تربیتی، بازی های آموزشی می توانند ارزش های اخلاقی و اجتماعی را نیز منتقل کنند. بازی هایی که بر همکاری، احترام، صداقت یا مسئولیت پذیری تأکید دارند، نه تنها مهارت های اجتماعی را تقویت می کنند، بلکه انگیزه یادگیری را نیز افزایش می دهند، زیرا کودک احساس می کند در حال یادگیری چیزی فراتر از اطلاعات درسی است. یادگیری برای زندگی. این نوع معنا دادن به آموزش، انگیزه درونی را تقویت می کند (کارت و کیم، ۲۰۲۳). بازی های آموزشی همچنین به کودکان اجازه می دهند تا اشتباه کنند و از آن بیاموزند، بدون آن که احساس شرمندگی یا ترس داشته باشند. در فضای بازی، اشتباه بخشی از فرآیند طبیعی یادگیری است و کودک با آزمون و خطا، مسیر درست را پیدا می کند. این آزادی در تجربه، موجب کاهش اضطراب و افزایش انگیزه برای یادگیری می شود، زیرا کودک می داند که شکست در بازی، فرصتی برای رشد است نه دلیلی برای سرزنش (اندرسون و پالت، ۲۰۲۳). در کلاس هایی که بازی های آموزشی به صورت منظم استفاده می شوند، معمولاً سطح



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

مشارکت، تعامل و انرژی دانش آموزان بالاتر است. کودکان در این کلاس ها نه تنها به صورت ذهنی، بلکه از نظر عاطفی و جسمی نیز درگیر یادگیری هستند. این درگیری چندوجهی، موجب تثبیت بهتر مفاهیم، افزایش علاقه مندی به درس، و شکل گیری نگرش مثبت نسبت به مدرسه و آموزش می شود (گونزالز و فرارو، ۲۰۲۳). معلمان نیز از طریق بازی های آموزشی می توانند شناخت بهتری از دانش آموزان پیدا کنند. در جریان بازی، رفتارهای طبیعی، علایق، نقاط قوت و ضعف کودکان آشکار می شود و معلم می تواند بر اساس این شناخت، روش های آموزشی خود را تنظیم کند. این ارتباط نزدیک تر و انسانی تر میان معلم و دانش آموز، خود عاملی برای افزایش انگیزه یادگیری است، زیرا کودک احساس می کند دیده و درک می شود (مولرو اریکسون، ۲۰۲۴). در نهایت، بازی های آموزشی نه تنها ابزارهایی برای انتقال محتوا، بلکه راهبردهایی برای پرورش انگیزه، علاقه و مشارکت فعال در یادگیری هستند. در دوره ابتدایی که پایه های نگرش آموزشی کودک شکل می گیرد، استفاده هدفمند از بازی می تواند مسیر یادگیری را به تجربه ای شیرین، معنادار و پایدار تبدیل کند. آموزش از طریق بازی، یعنی آموزش با قلب، ذهن و لبخند (المنصوری و حداد، ۲۰۲۳).

چالش ها و محدودیت های اجرای بازی های آموزشی در مدارس

با وجود اثربخشی اثبات شده بازی های آموزشی در تقویت یادگیری، انگیزه و مهارت های اجتماعی دانش آموزان، اجرای این نوع فعالیت ها در مدارس ابتدایی با چالش ها و محدودیت های متعددی روبه روست. بسیاری از این موانع ناشی از ساختارهای سنتی آموزشی، نگرش های محافظه کارانه، کمبود منابع و فقدان آموزش تخصصی برای معلمان هستند. شناخت این چالش ها، گامی ضروری برای طراحی راهکارهای عملی و پایدار در جهت به کارگیری مؤثر بازی در آموزش است (عارفی، ۱۴۰۳). یکی از مهم ترین چالش ها، نگرش سنتی برخی مدیران و معلمان نسبت به بازی است. در بسیاری از مدارس، بازی هنوز به عنوان فعالیتی تفریحی و غیرجدی تلقی می شود که صرفاً برای پر کردن وقت یا تشویق دانش آموزان به کار می رود. این دیدگاه موجب می شود بازی از جایگاه آموزشی خود فاصله بگیرد و در برنامه ریزی درسی نادیده گرفته شود. تغییر این نگرش نیازمند آموزش، آگاهی بخشی و ارائه شواهد علمی درباره نقش تربیتی و شناختی بازی است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). کمبود زمان در برنامه های درسی نیز یکی از موانع جدی اجرای بازی های آموزشی است. معلمان اغلب با حجم بالای محتوای درسی، آزمون های استاندارد، و فشارهای اجرایی مواجه اند و فرصت کافی برای طراحی و اجرای بازی های هدفمند ندارند. این محدودیت زمانی باعث می شود بازی به عنوان فعالیتی جانبی یا لوکس تلقی شود، نه بخشی از فرآیند یاددهی-یادگیری. برای رفع این مشکل، باید در بازنگری برنامه های درسی، زمان مشخصی برای فعالیت های بازی محور در نظر گرفته شود (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). نبود منابع و امکانات مناسب نیز مانعی مهم در اجرای بازی های آموزشی است. بسیاری از مدارس، به ویژه در مناطق محروم، فاقد فضای فیزیکی مناسب، ابزارهای آموزشی، یا وسایل بازی هستند. این کمبودها موجب می شود معلمان نتوانند بازی هایی متنوع، ایمن و مؤثر طراحی کنند. تأمین منابع، حمایت مالی، و طراحی بازی های کم هزینه و قابل اجرا در محیط های ساده، از جمله راهکارهای مقابله با این چالش است (نیکنفس میری و راهداری، ۱۴۰۳).



ICPSE
2025

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزش

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

فقدان آموزش تخصصی برای معلمان در زمینه طراحی و اجرای بازی های آموزشی نیز یکی از محدودیت های مهم است. بسیاری از معلمان، علی رغم علاقه به استفاده از بازی، دانش کافی درباره اصول روان شناسی بازی، هدف گذاری آموزشی، یا ارزیابی اثربخشی آن ندارند. این ضعف آموزشی موجب می شود بازی ها به صورت سطحی، بدون هدف مشخص یا حتی با نتایج منفی اجرا شوند. برگزاری دوره های آموزشی، کارگاه های عملی و تولید منابع راهنما می تواند این خلأ را جبران کند (اندرسون و پالت، ۲۰۲۳). چالش دیگر، تفاوت های فردی میان دانش آموزان است. کودکان از نظر سبک یادگیری، سطح توانایی، خلق و خو و علاقه مندی با یکدیگر تفاوت دارند و ممکن است همه آن ها از یک نوع بازی آموزشی استقبال نکنند. طراحی بازی هایی که بتوانند این تفاوت ها را پوشش دهند و برای گروه های مختلف جذاب باشند، نیازمند خلاقیت، انعطاف پذیری و شناخت دقیق مخاطب است. در غیر این صورت، برخی دانش آموزان ممکن است احساس طردشدگی یا بی انگیزگی کنند (گونزالز و فرارو، ۲۰۲۳). در برخی موارد، خانواده ها نیز نسبت به بازی های آموزشی نگرش منفی دارند. برخی والدین تصور می کنند که بازی در مدرسه موجب اتلاف وقت، کاهش جدیت در آموزش یا افت تحصیلی فرزندشان می شود. این نگرش ها، به ویژه در جوامعی با فرهنگ آموزشی سخت گیرانه، می تواند مانع حمایت خانواده از فعالیت های بازی محور شود. ارتباط مؤثر مدرسه با خانواده، ارائه توضیحات علمی و نمایش نتایج مثبت بازی ها می تواند به تغییر این نگرش کمک کند (کارتر و کیم، ۲۰۲۳). ارزیابی اثربخشی بازی های آموزشی نیز یکی از چالش های فنی و تربیتی است. برخلاف آزمون های کتبی که نتایج مشخص و قابل اندازه گیری دارند، سنجش تأثیر بازی بر یادگیری، انگیزه یا مهارت های اجتماعی نیازمند ابزارهای ارزیابی کیفی، مشاهده، و تحلیل رفتاری است. بسیاری از مدارس فاقد این ابزارها یا تخصص لازم برای تحلیل داده های حاصل از بازی هستند. توسعه روش های ارزیابی بازی محور، بخشی ضروری از نهادینه سازی این رویکرد در آموزش ابتدایی است (مولرو اریکسون، ۲۰۲۴).

در برخی موارد، بازی های آموزشی ممکن است با محتوای درسی هماهنگ نباشند یا حتی موجب انحراف از اهداف آموزشی شوند. اگر بازی بدون هدف مشخص، بدون ارتباط با موضوع درس یا بدون طراحی آموزشی اجرا شود، ممکن است موجب سردرگمی، اتلاف وقت یا کاهش تمرکز دانش آموزان شود. بنابراین، طراحی بازی باید با دقت، هدف گذاری روشن و هماهنگی با محتوای درسی انجام گیرد تا اثربخشی آن تضمین شود (المنصوری و حداد، ۲۰۲۳). چالش های فرهنگی نیز در برخی جوامع مانع اجرای بازی های آموزشی می شوند. در فرهنگ هایی که آموزش رسمی، انضباط سخت گیرانه و حفظ سکوت در کلاس ارزش تلقی می شود، بازی ممکن است با مقاومت فرهنگی روبه رو شود. در چنین شرایطی، معلمان باید بتوانند بازی را به عنوان ابزار آموزشی معرفی کنند، نه صرفاً فعالیتی تفریحی. استفاده از بازی های بومی، سنتی یا فرهنگی می تواند به پذیرش بهتر این رویکرد کمک کند (رودریگز و مندس، ۲۰۲۴). در برخی مدارس، نبود حمایت مدیریتی و سیاست گذاری آموزشی نیز مانع اجرای بازی های آموزشی است. اگر مدیران مدرسه، مسئولان آموزشی یا ناظران، بازی را به رسمیت نشناسند یا آن را در ارزیابی عملکرد معلمان لحاظ نکنند، انگیزه معلمان برای استفاده از این روش کاهش می یابد. تدوین سیاست های حمایتی، گنجاندن بازی در برنامه های رسمی و ارزیابی های آموزشی، می تواند زمینه ساز گسترش این رویکرد باشد (چن و گومز، ۲۰۲۲). در نهایت، اجرای مؤثر بازی های آموزشی در مدارس ابتدایی نیازمند تغییر نگرش، تأمین منابع، آموزش تخصصی، و حمایت ساختاری است. شناسایی چالش ها و محدودیت ها، نخستین



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۳) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

گام در مسیر اصلاح و توسعه این رویکرد است. اگر بتوانیم این موانع را با راهکارهای عملی و فرهنگی برطرف کنیم، بازی های آموزشی می توانند به یکی از ستون های اصلی آموزش خلاق، انسانی و مؤثر در مدارس تبدیل شوند (آرین نیا، ۱۴۰۳).

راهکارهای پیشنهادی برای به کارگیری مؤثر بازی در آموزش ابتدایی

برای بهره گیری مؤثر از بازی در آموزش ابتدایی، نخستین گام تغییر نگرش نسبت به بازی است. باید بازی را نه تنها به عنوان فعالیتی تفریحی، بلکه به عنوان ابزار آموزشی جدی و علمی شناخت. این تغییر نگرش باید در سطح مدیران، معلمان، خانواده ها و سیاست گذاران آموزشی صورت گیرد. ارائه شواهد پژوهشی، نمونه های موفق و آموزش های تخصصی می تواند به تدریج این دیدگاه را اصلاح کرده و زمینه ساز پذیرش گسترده تر بازی در محیط های آموزشی شود (کارتر و کیم، ۲۰۲۳). یکی از راهکارهای کلیدی، تلفیق بازی با محتوای درسی است. به جای اجرای بازی های جداگانه و بدون ارتباط با درس، می توان بازی هایی طراحی کرد که مفاهیم ریاضی، علوم، زبان یا مطالعات اجتماعی را در قالب فعالیت های جذاب و تعاملی منتقل کنند. این تلفیق، هم موجب یادگیری عمیق تر می شود و هم از اتلاف وقت جلوگیری می کند. معلمان می توانند با استفاده از الگوهای طراحی آموزشی، بازی هایی هدفمند و متناسب با اهداف درسی ایجاد کنند. (تامپسون و لی، ۲۰۲۲). تأمین منابع و امکانات مناسب نیز از جمله پیش شرط های اجرای موفق بازی های آموزشی است. مدارس باید به ابزارهای ساده اما کاربردی مانند کارت های آموزشی، وسایل ساختنی، فضای باز، و تجهیزات دیجیتال مجهز شوند. همچنین، طراحی بازی هایی که با کمترین امکانات قابل اجرا باشند، به ویژه در مناطق محروم، می تواند عدالت آموزشی را تقویت کند. حمایت مالی از مدارس برای تهیه وسایل بازی، بخشی از سیاست گذاری آموزشی مؤثر خواهد بود (گونزالز و فرارو، ۲۰۲۳).

آموزش تخصصی معلمان در زمینه طراحی، اجرا و ارزیابی بازی های آموزشی، یکی از مهم ترین راهکارهاست. معلمانی که با اصول روان شناسی بازی، هدف گذاری آموزشی، و روش های سنجش اثربخشی آشنا باشند، می توانند بازی را به صورت حرفه ای و مؤثر در کلاس درس به کار گیرند. برگزاری کارگاه های آموزشی، دوره های ضمن خدمت، و تولید منابع راهنما برای معلمان، از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است (جشیره و همکاران، ۱۴۰۴). استفاده از بازی های بومی و فرهنگی، راهکاری مؤثر برای افزایش پذیرش و جذابیت بازی در مدارس ابتدایی است. بازی هایی که ریشه در فرهنگ محلی دارند، نه تنها موجب تقویت هویت فرهنگی کودکان می شوند، بلکه ارتباط عاطفی آن ها با آموزش را نیز افزایش می دهند. معلمان می توانند با همکاری خانواده ها و جامعه محلی، بازی هایی طراحی کنند که هم آموزشی باشند و هم ارزش های فرهنگی را منتقل کنند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). تنوع در نوع بازی ها نیز اهمیت زیادی دارد. استفاده از بازی های فردی، گروهی، نمایشی، حرکتی، دیجیتال و داستانی، موجب پوشش سبک های مختلف یادگیری و علایق دانش آموزان می شود. این تنوع، از یکنواختی کلاس درس جلوگیری کرده و مشارکت فعال تر دانش آموزان را به دنبال دارد. معلمان باید بتوانند با توجه به موضوع درس، فضای کلاس و ویژگی های دانش آموزان، نوع مناسب بازی را انتخاب کنند (نیکنفیس میری و راهداری، ۱۴۰۳). ارزیابی اثربخشی بازی های آموزشی، بخش مهمی از فرآیند یاددهی-یادگیری است. معلمان باید بتوانند با استفاده از روش های مشاهده، گفت و گو، تحلیل رفتار و ابزارهای ساده سنجش، تأثیر بازی بر یادگیری، انگیزه



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۳) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

و مهارت های اجتماعی دانش آموزان را بررسی کنند. این ارزیابی ها نه تنها به بهبود طراحی بازی کمک می کنند، بلکه به معلمان امکان می دهند تا بازی را به صورت هدفمند و قابل دفاع در برنامه درسی بگنجانند (آرین نیا، ۱۴۰۳).

ایجاد فضای فیزیکی مناسب برای بازی در مدارس نیز از جمله راهکارهای عملی است. کلاس هایی با چیدمان انعطاف پذیر، حیاط های ایمن، و اتاق های چندمنظوره می توانند اجرای بازی های آموزشی را تسهیل کنند. طراحی محیط های یادگیری بازی محور، با رنگ های شاد، ابزارهای تعاملی و فضای باز، موجب افزایش انگیزه و مشارکت دانش آموزان می شود. این فضاها باید به گونه ای باشند که هم امکان بازی و هم تمرکز آموزشی را فراهم کنند (مولرو اریکسون، ۲۰۲۴). درگیر کردن خانواده ها در فرآیند بازی محور آموزشی، راهکاری مؤثر برای تقویت پیوند مدرسه و خانه است. والدین می توانند در طراحی، اجرا یا ادامه بازی ها در منزل مشارکت داشته باشند. این مشارکت، موجب تقویت یادگیری، افزایش انگیزه و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آموزش در خانواده می شود. مدارس می توانند با برگزاری جلسات آموزشی، نمایشگاه های بازی یا مسابقات خانوادگی، این ارتباط را تقویت کنند (عارفی، ۱۴۰۳). استفاده از فناوری های نوین در طراحی بازی های آموزشی، فرصت های جدیدی برای یادگیری فراهم می کند. بازی های دیجیتالی، اپلیکیشن های آموزشی، واقعیت افزوده و پلتفرم های تعاملی، می توانند مفاهیم درسی را به صورت جذاب و قابل دسترس ارائه دهند. البته استفاده از فناوری باید با نظارت، هدف گذاری آموزشی و رعایت اصول تربیتی همراه باشد تا از آسیب های احتمالی جلوگیری شود (المنصوری و حداد، ۲۰۲۳). تدوین سیاست های رسمی و حمایت های ساختاری از بازی های آموزشی، لازمه نهادینه سازی این رویکرد در نظام آموزشی است. وزارتخانه ها، سازمان های آموزشی و نهادهای تصمیم گیر باید بازی را در برنامه های درسی، ارزیابی های آموزشی و استانداردهای تربیتی لحاظ کنند. این حمایت ها می توانند شامل بودجه، دستورالعمل، منابع آموزشی و مشوق های حرفه ای برای معلمان باشند (رودریگز و مندس، ۲۰۲۴). در نهایت، به کارگیری مؤثر بازی در آموزش ابتدایی نیازمند رویکردی جامع، چندلایه و مشارکتی است. تغییر نگرش، آموزش تخصصی، تأمین منابع، طراحی هدفمند، و حمایت ساختاری، پنج ستون اصلی این تحول هستند. اگر این راهکارها به صورت هماهنگ و پایدار اجرا شوند، بازی می تواند به یکی از مؤثرترین ابزارهای تربیتی در مدارس ابتدایی تبدیل شود و مسیر یادگیری را برای کودکان به تجربه ای شاد، انسانی و پربار بدل سازد (چن و گومز، ۲۰۲۲).

نتیجه گیری

در مجموع، بازی های آموزشی نه تنها ابزارهایی برای سرگرمی، بلکه راهبردهایی مؤثر برای یادگیری، رشد شناختی، اجتماعی و انگیزشی دانش آموزان دوره ابتدایی هستند. این بازی ها با ایجاد فضای تعاملی، شاد و پویا، یادگیری را از حالت خشک و منفعل به تجربه ای فعال، لذت بخش و معنادار تبدیل می کنند. کودک از طریق بازی، نه تنها مفاهیم درسی را بهتر درک می کند، بلکه مهارت های زندگی را نیز می آموزد. از منظر شناختی، بازی بستری مناسب برای تقویت تمرکز، حافظه، حل مسئله، خلاقیت و تفکر منطقی فراهم می آورد. کودک در جریان بازی با چالش هایی روبه رو می شود که ذهن او را به فعالیت واداشته و توانایی های ذهنی اش را پرورش می دهد. این رشد شناختی، پایه ای برای موفقیت تحصیلی و یادگیری مستقل در سال های بعدی زندگی آموزشی است.



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزش

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

در حوزه اجتماعی و ارتباطی، بازی به کودکان فرصت می دهد تا تعامل با دیگران را تمرین کنند، نقش های اجتماعی را تجربه کنند، و مهارت هایی مانند همکاری، همدلی، احترام و حل تعارض را بیاموزند. این مهارت ها نه تنها در کلاس درس، بلکه در زندگی روزمره و آینده شغلی آن ها نقش حیاتی دارند. بازی، زبان مشترک کودکان برای یادگیری روابط انسانی است. از نظر انگیزشی، بازی های آموزشی موجب افزایش علاقه مندی، اشتیاق و مشارکت فعال دانش آموزان در فرآیند یادگیری می شوند. این بازی ها با ایجاد حس موفقیت، بازخورد فوری، و فضای امن برای تجربه و اشتباه، انگیزه درونی کودک را تقویت می کنند. آموزش از طریق بازی، یعنی آموزش با قلب، ذهن و لبخند. با این حال، اجرای بازی های آموزشی در مدارس با چالش هایی روبه روست؛ از جمله نگرش های سنتی، کمبود زمان، نبود منابع، فقدان آموزش تخصصی معلمان، و مقاومت فرهنگی یا خانوادگی. این موانع می توانند مانع بهره گیری مؤثر از بازی در آموزش شوند، مگر آن که با راهکارهای عملی و ساختاری برطرف گردند. راهکارهایی مانند تغییر نگرش آموزشی، تلفیق بازی با محتوای درسی، آموزش تخصصی معلمان، تأمین منابع، استفاده از بازی های بومی، و طراحی فضای فیزیکی مناسب می توانند زمینه ساز اجرای موفق بازی های آموزشی باشند. همچنین، تدوین سیاست های حمایتی و ارزیابی اثربخشی بازی ها، نقش مهمی در نهادینه سازی این رویکرد دارند. برای تحقق آموزش بازی محور در مدارس ابتدایی، نیازمند همکاری چندجانبه میان معلمان، مدیران، خانواده ها، سیاست گذاران و جامعه هستیم. این همکاری باید بر پایه شناخت علمی، تجربه عملی و تعهد تربیتی شکل گیرد تا بازی به عنوان ستون اصلی آموزش خلاق و انسانی در مدارس پذیرفته شود. در پایان، می توان گفت که بازی های آموزشی، پلی میان دنیای کودکان و دنیای یادگیری هستند. اگر این پل با دقت، آگاهی و حمایت ساخته شود، کودکان می توانند با شادی، انگیزه و مهارت های کامل تر مسیر آموزش را طی کنند. آموزش ابتدایی با بازی، یعنی آغاز یادگیری با لبخند، معنا و رشد همه جانبه.

منابع

- آرین نیا، الهه (۱۴۰۳). بررسی اثرات شیوهی استفاده از بازی های آموزشی در تدریس دانش آموزان ابتدایی و مزایا و معایب آن. هفتمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- جشیره، مجید؛ رئیس، کلثوم؛ ارباب، وحید؛ بازاریار، آمنه (۱۴۰۴). بررسی تاثیر بازی و سرگرمی در تدریس دروس دوره ابتدایی. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸(۹): ۵۶-۸۹.
- عارفی، مهدی (۱۴۰۳). بررسی تاثیر روش های فعال تدریس (مثل بازی و پروژه) بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در درس ریاضی. اولین همایش بین المللی ایده های تحول آفرین در زمینه مطالعات فرهنگی و آموزشی در آموزش و پرورش با تاکید بر اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی در هزاره سوم، تهران.
- قربانی، اعظم؛ خانی، ابوالفضل؛ اسلامی راد، فاطمه؛ داوری پور، علی (۱۴۰۲). نقش معلمان در آموزش جذاب و ارتقا فرایند یاددهی - یادگیری با استفاده از روشهای تدریس فعال و مبتنی بر بازی. سومین همایش بین المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان.



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

نیکنفس میری، فریبا؛ راهداری، علی (۱۴۰۳). تاثیر روش های نوین تدریس در یادگیری زیست شناسی: آموزش مبتنی بر بازی. اولین همایش بین المللی ایده های تحول آفرین در زمینه مطالعات فرهنگی و آموزشی در آموزش و پرورش با تاکید بر اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی در هزاره سوم، تهران.

- Al-Mansouri, F., & Haddad, O. (2023). *Motivational impact of educational games in multicultural classrooms*. Middle East Journal of Educational Research, 9(3), 101–118.
- Anderson, J., & Patel, R. (2023). *Play-based learning in primary education: Cognitive and emotional benefits*. Oxford Educational Press.
- Carter, E., & Kim, R. (2023). *Evaluating the effectiveness of digital learning games in elementary schools*. North American Journal of Educational Technology, 15(2), 88–105.
- Chen, L., & Gómez, M. (2022). *Integrating games into the curriculum: Strategies for elementary classrooms*. Journal of Innovative Teaching, 18(2), 45–62.
- González, M., & Ferraro, L. (2022). *Cultural adaptation of educational games: A framework for diverse classrooms*. Milan Journal of Educational Design, 6(3), 59–74.
- Müller, S., & Eriksson, J. (2024). *Social development through cooperative play in early schooling*. Scandinavian Journal of Child Psychology, 12(1), 77–94.
- Rodríguez, A., & Mendes, F. (2024). *Teacher training for game-based instruction: Challenges and solutions*. European Journal of Pedagogical Innovation, 21(1), 12–29.
- Thompson, S., & Lee, M. (2022). *Designing inclusive learning environments through play*. International Review of Primary Education, 27(4), 33–50.